

تواله فم غزیر سلام نامه پرست و کتاب خوبان را خانم شریفیال برایم آوردند.

یک دنیا از لطف شما گفتم و از کتابم بردار از اسیران گفتم. این کتاب را با اشتیاق خواندم، مثل همیشه

از صفات شایسته قضای شعر شکایت کردم. البته من چون به شعر بدون دزدان ضیوان اعتمادی

ندارم، طبقاً شریای مزدول شمار تبریح می دهم. با اینکه در پیش اثنا صفا، از آن به ۳ خلی لذت

بردم، مسئله هجول، ساقی ندارد. در پیش نهایت که محمود درویش کان هم از هفت ششم که قلاب آن را

به هر مستحق در کتاب دکتران خوانده بودم، خلی لذت بردم و بخوبی از هفته پایانی غایبم.

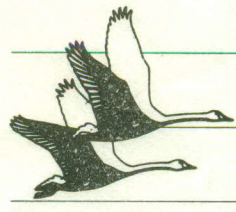
از آن که برای اسیران بودگان مراسم زبرد داشت در محبت پریشانه، هیچ تمب نکردم. تا این که بر از دروغ های

زبردگی است که سقلاان و سقلا لال آن برای آراسته و ساده دلان با درش می کند و صد آن نمی که

حقیقت دروغ هارسی دانند آنرا که است که اصلاً به حساب نمی آید. یک ماه اخیر اسیران نیز همینهای

برای کتاب داره نامه شاعری بودم که خراب است که بد چاپ شود. قرار بود آن را بر چه نزد درم ناشر

برسانم، از این جهت همان نامه در جواب نامه شاعر غیری پیش آمد که مندرک گفتم.



از لطفنید و کبر هاد اشتباهاتی را که در کتاب داره نامه منظر آن رسیده است، برایم بنویسید، خلی



مخبر خواهم شد. چون در آن زمان در این چاپ، آن مردی آن هاله مدح کنم.

بانی دجال سلام اول برای شما دارند. تا زین هم در نبرد است و خوشبختی بر روی برآورد.

برای دیدار

میت

۱۹۷۱ / ۷۵

